



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۰۵

دوکتور م، عثمان تره کی

## پشتون ها : مردم با عظمت بی وطن!؟

قسمت دوم

### شاخص شناخت پشتون ها :

پشتون ها قبل از استعمار برتانیه در شمال دهلی (روهیل خاند) زندگی می کردند. درینجا بازماندگان آنها تا حال هم وجود دارند. شهزادگان هندو و سلاطین مسلمان مغل پشتون ها را در اردو و اداره حکومتی به وظیفه می گماشتند. پشتون ها به مرور زمان به مناطق دیگر شبه قاره هند پراکنده شدند. یک اقلیت کوچک آنها تا هنوز در حیدر آباد اقامت دارد. از قرن ۱۹ به بعد پشتون ها در کشمیر تحت اداره برتانیه مسکون شدند. پس از تأسیس پاکستان تعداد کثیری از آنها در (ژیلگت - بالتستان) کشمیر متوطن گردیدند. شمار کمی از پشتون ها مانند بسیاری از هندوها، راه مهاجرت به سوی مستعمرات برتانوی را در پیش گرفتند و در اوطان جدید که بعداً مستقل شده بودند، منحل شدند. پشتون ها در مجموع مردم بسیار مغرورند. با تکدی (گدایگری) نا آشنا می باشند. شهرت پشتون ها در مردانگی و شجاعت موجب گردید که بخش عمده قشون مهاجم برتانوی در هند را تشکیل کنند. در تاریخ معاصر پشتون ها بیشترین رقم را در ترکیب لشکر مجاهدین ضد تجاوز شوروی تشکیل می کردند و امروز نقش شان در صفوف طالبان افغان و پاکستان متبارز است.

پشتون ها شیفته توپک استند که در مواردی خود تولید می کنند. حمل اسلحه مشروط به داشتن جواز نیست. آنها می توانند به سهولت دست به خشونت بزنند.

### پشتون ها میان خود می جنگند، اما در برابر خارجیان متحد می شوند.

شاخص شناخت پشتون ها تنها جنگجویی نیست. آنها نه تنها در افغانستان بلکه در کشورهای میزبان مهاجرین به شهادت کارفرمایان منحیث کارگران زحمتکش و سخت سر شناخته شده اند. تقسیم بندی افقی و عمودی میان قبایل، اقوام و طوائف پشتون تبار بسیار پیچیده است. آشنائی به سلسله مراتب قبیلوی برای خارجیان دشوار است. اما پشتون ها اسامی مشران و بنیان گذاران قبیله را خوب می شناسند و خاطره کارنامه های اجداد خود را گرامی میدارند.

در افغانستان رؤسای قبایل اتوریتة گذشته را به نفع شورشیان یا جوانان تعلیم یافته از دست داده اند. به موازات آن مدرنیته به آرامی ذهنیت ها را تسخیر کرده و قانون تعاملی پشتونولی از اعتبار افتاده است. در کشور مجاور پاکستان وضع به همین منوال است.

پشتون ها مانند مسلمانان همکیش فارسی و مغل خود معابد مزین به حجاری و میناتوری خلق نکرده اند. اما آثار معماری قابل توجه به جا گذاشته اند و گرایش چشمگیر به سرودن اشعار زیبا داشته اند. ادبیات دری و اردو از ظرافت های ادبی پشتو متأثر شده است. شعرای پشتو زبان غالباً جذبات اسلام صوفی و در مواردی وطن پرستی انقلابی را منعکس ساخته اند. برخی نویسندگان پشتون به "فیکسیون" رو آورده اند. سرایندهگان پشتون در میان مردم محبوبیت زیادی دارند.

### خط دیورند و انقسام اجباری پشتون ها در افغانستان و پاکستان:

خط دیورند که ساحات نفوذ سلاطین افغانستان را از هند برتانوی جدا می کرد، در ۱۹۸۳ کشیده شد. بسیاری قراء و قصبات بدون مشوره از مردمان قبایل بدو بخش متلاشی شدند. جنگجویان قبایل علیه تصامیم ظالمانه حکام هند برتانوی در ۱۸۹۷ قیام کردند. امیر افغانستان و سلطان ترکیه از قیام مردم قبایل حمایت نمودند. انگلیس ها در سرکوبی شورش وسیع قبائل با مشکلات سخت مواجه بودند.

در ۱۹۰۱ برتانوی ها "ایالت سرحد شمال غرب" را ایجاد کردند. به این ترتیب پشتون های مسکون در اراضی هموار در حالیکه در گذشته از لاهور (پنجاب) اداره می شدند، دارای اداره محلی گردیدند. اما اداره اجنسی های قبیلوی مقیم کوهپایه ها، تپه ها و دره های مجاور افغانستان به گورنر هند برتانوی تعلق داشت.

با تعیین سرحدات با روسیه و چین، افغانستان منحصیث منطقه حائل میان دو امپراتوری انگلستان و روسیه شناخته شد. شمار زیادی از نظامیان و ملکبان انگریز زبان پشتو را آموختند. آثار زیادی برای معرفی رسوم و عنعنات پشتون ها نشر شد که بعداً مبنای تصامیم بازیگران سیاسی قرار گرفت.

علی الرغم محاصره نظامی و مطالعات عمیقتر برای آشنائی بیشتر با مردم و محلات و باوجود توسعه خطوط مواصلات، برتانویان در اداره پشتون ها با دشواری های زیادی مواجه بودند.

پشتون های کوه نشین بخصوص در دره سوات که در سرسختی، عصیانگری و بیگانه ستیزی شهرت داشتند، وقتاً فوقتاً حملات خونباری را علیه قوای حکومتی سازمان میدادند.

در ۱۹۱۹ شاه افغانستان موقع را برای الحاق سرزمین های از دست رفته مساعد دید و به سوی پشاور لشکر کشید. جنگ سوم افغان و انگلیس که چند ماهی دوام کرد به موفقیت انگلیس ها در حفظ بخشی از قلمرو افغان ها انجامید. معاهده راولپندی خط دیورند را با تغییرات جزئی پذیرفت. افغان ها در بدل اراضی از دست داده لا اقل در تیوری استقلال کامل سیاست خارجی خود را احراز کردند.

امروز پشتون ها در دو کشور افغانستان (اکثراً در جنوب شرق و جمعیت هائی در شمال) و پاکستان (بیشتر در غرب) تقسیم گردیده اند.

پشتون های مقیم پاکستان، طی سالیان اخیر به دنبال جنگ میان قوای حکومتی پاکستان و گروه های رادیکال اسلامی به شهر های لاهور، کویته و بخصوص کراچی مهاجرت کرده اند.

افغانستان مطابق تخمین کم و بیش باوری ۳۴ میلیون نفوس دارد که ۲۰ میلیون آنرا پشتون ها ترکیب می کنند. تا سال ۲۰۵۰ نفوس افغانستان به ۵۰ میلیون خواهد رسید که از جمله ۳۰ میلیون پشتون خواهد بود. اگر در پاکستان سرشماری سال ۲۰۱۷ و تخمینات پیشین را در آن اعتبار بدهیم، تعداد نفوس به ۲۲۶ میرسد که ۳۰ میلیون آنرا پشتون ها تشکیل میکنند. شمار نفوس پاکستان در سال ۲۰۱۴ (غلطی طباعتی در متن. مقصد سال ۲۰۵۰ است. تره کی) به ۴۰۰ میلیون خواهد رسید. از جمله تعداد پشتون ها به ۵۰ میلیون بالغ خواهد شد. در حالیکه در سال ۱۹۷۰ جمعیت پشتون به شیوه مساویانه میان افغانستان و پاکستان تقسیم شده بود، این تقسیم بندی مساوی بار دیگر در سال ۲۰۷۰ تکرار خواهد گردید. فعلاً با ملاحظه اینکه ۳۰ میلیون پشتون در پاکستان و ۲۰ میلیون در افغانستان زندگی می کند، به پاکستان باید به مثابه مرکز ثقل جامعه پشتون نگاه کرد. این در حالیست که پشتون های پاکستان ۱۷ فیصد مجموع نفوس را تشکیل می کنند و فیصدی پشتون های افغانستان به بیشتر از ۶۰ فیصد میرسد. این فیصدی که از منابع معتبر بدست آمده بیشتر از کمیتی است که قبلاً از طرف ادارات رسمی ارائه شده است. مجموع پشتون های افغانستان و پاکستان احتمالاً بزرگ ترین کتله قبیله‌ای را در جهان میسازند.



پایان قسمت دوم  
ادامه دارد

قسمت اول این مطلب را با کلیک بر لینک آتی مطالعه فرمائید:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Osman\\_r\\_taraki\\_mardom\\_baazamat\\_bewatan.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/Osman_r_taraki_mardom_baazamat_bewatan.pdf)